بررسی تاثیر تمرکز اقتصادی بر قدرت ملی مطالعه موردی: منطقه کلان‌شهر تهران

دریافت مقاله:۸۹/۵/۴ پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۷
صفحات: ۱۲۹-۱۰۱

سیدموسی پورموسوی: استادیار گروه جغرافیای دانشگاه امام حسین(ع) [۱]
Email:mp.articles@yahoo.com
حسین محمدیان: کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی
Email:geopolm@yahoo.com
محمدهادی پوینده: دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
Email:pooyandeh@ut.ac.ir

چکیده

قدرت ملی یک کشور، نقشی بنیادین در مباحث مربوط به جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و در نهایت تنظیم الگوی رفتاری دولت‌ها در امور داخلی و روابط بین‌الملل ایفا می‌کند، به‌همین دلیل از آغاز قرن بیست و یکم، موضوع قدرت ملی از اهمیتی بیش از پیش برخوردار شده است و بیش از گذشته مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر قرن بیست و یکم قرن شهرهاست، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند، بر همین مبنا اغلب صاحب‌نظران علوم اجتماعی و انسانی بر این باورند که سرنوشت بشر امروز و آینده در شهرها رقم می‌خورد. شهرها که تا آینده‌ای نزدیک اکثریت مردم جهان را در خود جای خواهند داد، عرصه‌های رقابت جهانی برای جذب دانش و سرمایه شده‌اند و هریک به دنبال معروفیت در عرصه یا عرصه‌هایی از فعالیت بشر هستند تا در این رقابت وارد شوند. منطقه کلان‌شهری تهران نیز یکی از مناطق کلان‌شهری بزرگ دنیاست که قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در آن متمرکز شده است، که در نتیجه رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شده و تمرکز اقتصادی با تمرکز سیاسی- اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی هم‌نوا و همراه گردیده است. در این تحقیق که از نوع توصیفی-

---

۱. نویسنده مسئول: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبروی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، پلاک ۱۱،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

تحلیلی می‌باشد با بررسی و استفاده از برخی شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی به تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی پرداخته می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که احتمالاً نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی دارای کارکرد منفی است.

کلید واژگان: قدرت ملی، منطقه کلان شهر تهران، تمرکز اقتصادی، رقابت جهانی، شاخص های اقتصادی

مقدمه

قرن بیست و یکم قرن شهرهاست، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند.همگام با تسریع رشد شهرنشینی، فرایند جهانی شدن نیز شتابی فزاینده یافته و شهرها، این کانون‌های اصلی اجتماعی و اقتصادی دنیا، از طریق فناوری پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطاتی، بیشتر و شتاب‌زده‌تر از پیش با هم مرتبط گشته‌اند. در این شرایط، کیفیت فضای شهرها، چه از لحاظ جذب سرمایه و گردش‌گر و چه از لحاظ حفاظت محیط زیست و چه از لحاظ بهبود کیفیت زندگی شهروندان نقش قابل ملاحظه‌ای در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ملل خواهد داشت(مدنی‌پور،۱۳۸۷ ص ۵). آنچه مسلم است توسعه شهر از عملکرد اقتصادی حاکم برآن تأثیرمی‌پذیرد این عملکرد ناشی از امکانات مساعد ناحیه‌ای و روستاهای پیرامونی آن است ازجمله، عملکرد مرکزیت مکانی، نقش اقتصادی غالب (نظیر نقش‌های حمل و نقلی، صنعتی و کارخانه‌ای، خدماتی، توریستی، عمده‌فروشی، معدنی، نظامی، فرهنگی و درمانی) و میزان تخصص در آن، نقش شهر را در اقتصاد ملی و منطقه‌ای تعیین می‌کند. پایه اصلی مطالعات شهرسازی و طراحی شهری، مطالعه پایه اقتصادی شهر است که براساس آن، اشتغال، جمعیت، درآمد و نهایتاً میزان نیاز به فضا مشخص می‌شود (شیعه، ۱۳۸۰:ص۱۱۶).

در چند دهه اخیر شهرها با سرعت زیادی گسترش‌یافته و به شهرهای بزرگ تبدیل شده‌اند. این گسترش در مورد کشورهای توسعه‌نیافته حادتر است. در این میان، رشد سریع شهرنشینی در دنیا در همه شهرها به‌طور متعادل صورت نگرفته است. بلکه عمدتاً شامل شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها بوده است (نظریان،۱۳۸۸، ص ۲۰۹). به‌عبارت دیگر کانون سیاسی (پایتخت)، مرکز جاذبه و نفوذ یک فضای جغرافیایی است که در بردارنده عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی می‌باشد. در واقع کانون سیاسی مرکزیت جغرافیایی، هندسی و یا کارکردی یک فضای جغرافیایی است که از یک سو نیروهای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

انگیزشی مستتر در آن، عناصر و عوامل انسانی، کالبدی فضا و جریانات و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و از دیگر سو، نقطه مرکزی برای پخش پدیده‌ها، فرمان‌ها و اعمال اراده سیاسی در اقصی نقاط فضای مذکور به‌شمار می‌رود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ص۲۸۲).

در ایران نیز با توجه به نظام متمرکز موجود، کلانشهر تهران به عنوان پایتخت، مرکز تجمع بخش زیادی از امکانات کشور است. به عبارت دیگر با توجه به اینکه ساختار کلی نظام سیاسی در ایران در قالب حکومتی بسیط و تک‌ساخت می‌باشد (همان: ص ۲۶۲) و در حکومت تک‌ساخت، دولت مرکزی کلیه مدیریت‌های محلی را تحت نظارت خود دارد و میزان قدرت آن‌ها را تعیین می‌کند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ص ۱۴۸)، به‌همین دلیل تمرکزگرایی قدرت سیاسی و اجرایی به شکلی است که قدرت سیاسی در کانون نظام سیاسی متمرکز شده است و واحدهای جغرافیایی فاقد قدرت سیاسی و اجرایی هستند. در واقع، به دلیل تک ساخت بودن حکومت از یک سو و متمرکز بودن بعد سازمانی و اداری آن از سوی دیگر، قدرت سیاسی، اجرایی در فضای جغرافیایی کشور توزیع نمی‌شود (حافظ‌نیا،۱۳۸۱: ص۲۷۹). از آنجایی که تمرکز مشکل بنیادی در اداره کشور محسوب می‌شود، پرداختن به آن از اهمیت ویژای برخوردار است. نظام‌های متمرکز عمدتاً به جای تولید ثروت در مصرف منابع کوشش کرده و منابع ملی را به دلیل بوروکراسی شدید به هدر می‌دهند (قالیباف، ۱۳۸۴: ص۱۴۱).

این تحقیق در صدد است با توجه به تعدد شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی، و همچنین شاخص‌های اقتصاد شهری، برخی از شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی را در منطقه کلان شهر که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، ارزش افزوده بخش خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور می‌شود را با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی، مورد تحلیل قرار داده و نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات شامل: بهره‌گیری از منابع آماری: (آمارهای توصیفی، نتایج سرشماری نفوس و مسکن)، کتب، مقالات و گزارش‌های پژوهشی می‌باشد. آمار و اطلاعات این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای شامل: کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و نشریات علمی پژوهشی، سایت‌های معتبر اینترنتی و همچنین از مراکز معتبر علمی شامل مرکز آمار ایران و بانک مرکزی گردآوری شده است. هدف از این تحقیق این است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

که با استفاده ازشاخص‌های اقتصادی که یکی از عناصر مؤثر در قدرت ملی است، نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهری تهران را در قدرت ملی مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

مبانی نظری

با آنکه مفهوم قدرت در مرکز تمام تحلیل‌هایی قرار دارد که در عالم سیاست انجام می‌گیرد و نیز چنان که هانس مورگنتا می‌گوید، همه سیاست‌ها تلاشی برای کسب قدرت است، اما، مفهوم قدرت هنوز یکی از بحث انگیزترین مفاهیم در حوزه جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و سایر رشته‌های مرتبط با مبحث قدرت است، به‌نحوی که در مورد مفهوم و تعریف قدرت دیدگاه‌های گوناگون و نظرات متعددی وجود دارد؛ گاهی آن را طوری به کار می‌برند که گویی ریشه در روان‌شناسی دارد و گاهی آن را مشخصه‌ای در قلمروهای سیاسی، اقتصادی و نظامی محسوب می‌کنند. همچنین، بسیاری آن را مرتبط با مفاهیم نفوذ، اجبار و کنترل می‌دانند. با توجه به این تنوع گسترده موارد کاربرد، چنین به نظر می‌رسد که به تعداد نظریه‌ها، مفاهیم مختلف درباره قدرت وجود دارد(Tellis & Others. 2000: p۱۲).

قدرت اساساً به توان و استعداد انسان برای انجام کاری که مطلوب اوست اطلاق می‌شود. در واقع می‌توان گفت که قدرت عبارت است از توانایی و استعداد فرد برای انجام کار و اعمال اراده بر افراد دیگر به منظور ایجاد رفتار مطلوب. قدرت را جوهر سیاست دانسته‌اند زیرا به سیاست‌مدار و رهبر سیاسی توانایی تولید نتایج مورد نظرش را می‌دهد. قدرت موضوع نزاع و رقابت‌های سیاسی نیز می‌باشد وهدف نیروها و حرکت‌های سیاسی واحزاب و رهبران اجتماعی در تکاپوی سیاسی آنها، کسب اهرم‌ها وپایگاه‌های قدرت است، تا بتوانند مطابق میل و اراده خود و یا بر اساس سیستم و نظام ارزشی مورد نظر خود فرمان برانند و منافع خود و هوادارانشان را تامین نموده و اسباب حفظ قدرت را نیز فراهم آورند، و رقبای خود اعم از افراد، گروه‌ها ودولت‌ها را از صحنه بیرون نمایند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ص ۵۸).

از سوی دیگرقدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود که از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. به عبارت دیگر قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، یک ویژگی و صفت جمعی افراد را منعکس می‌نماید و هم زمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۴۶). در مجموع در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت قدرت ملی عبارت است از: ظرفیت یک کشور در پیگیری اهداف کاربردی با اقدامات عمدی. این نگرش به قدرت ملی، دو بعد مجزا ولی مربوط به هم ظرفیت را نشان می‌دهد. یکی از این دو بعد، ظرفیت خارجی است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

که شامل ظرفیت یک کشور در تاثیر گذاشتن بر محیط بین‌المللی از طریق پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی است و بعد دیگر، بعد داخلی است که شامل ظرفیت یک کشور در تبدیل منابع جامعه به «دانش قابل اجرایی» است که بهترین فناوری نظامی و غیرنظامی ممکن را تولید می‌کند (تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ص ۵۶).

در قلمرو داخلی از قدرت برای قانون‌گذاری، ضابطه‌گذاری، تنظیم امور و روابط اجتماعی، واجرای قانون و عدالت اجتماعی و تامین امنیت عمومی از طریق نهادهای سازمان یافته ذیربط نظیر نهادهای قانون‌گذاری، قضائی، امنیتی، انتظامی، تبلیغاتی وغیره استفاده می‌شود. در قلمرو خارجی نیز برای حفاظت از منافع ملی، تامین نیازهای ملی از مبادی فراکشوری، تامین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیژ ملی و غیره، از قدرت ملی استفاده می‌شود(حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۶).

در مجموع برای تعیین و محاسبه قدرت ملی، عناصر متعددی وجود دارند که متخصصان رشته‌های مختلف همچون جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در خصوص آن الگوهایی را ارائه کرده‌اند. مورگنتا، اسپایکمن، فیشر، ارکانسکی، کوهن، گلاسنر، ماهان و حافظ‌نیا، از جمله متخصصانی هستند که در این خصوص الگوهایی را مطرح کرده‌اند (اعظمی، ۱۳۸۳: ص۴۴). عناصر اقتصادی از جمله عناصر و مولفه‌هایی هستند که به‌عنوان عناصر اصلی قدرت ملی لحاظ می‌شوند.

مفهوم دیگری که در اینجا باید به آن پرداخت منطقهٔ کلان‌شهری[1] است. در واقع این منطقه، منطقه‌ای متمرکز و متراکم از سکونتگاه‌های انسانی، مشتمل بر یک شهر مرکزی به همراه سکونتگاه‌های حومه‌ای است که این سکونتگاه‌ها و شهر مرکزی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی وابستگی متقابل به یکدیگر دارند. با بررسی متون تحقیقی در حوزه تعاریف و مفاهیم منطقه کلان‌شهری مشخص می‌شود که تمرکز جمعیت، ثروت و تخصص وجه تمایز شهرهای بزرگ با سایر شهرها در واحد ملی است. همچنین پایگاه‌های اقتصادی گوناگون، گروه‌های مردم و شیوه‌های مختلف زندگی و طبقات اجتماعی ناهمگن، شکل خاصی به مادر شهرها می‌بخشد که این ناهمگنی در دیگر شهرها کمتر دیده می‌شود. نگارندگان با توجه به‌مطالب فوق کلان‌شهر را شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون می‌داند که در کشور ما علاوه بر تهران شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج نیز کلان‌شهر به شمار می‌آیند. در متون پژوهشی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مادر شهر جهانی در کشورهای پیشرفته، کلان‌شهرهای سیاسی

[1] . Metropolitan Area

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

(پایتخت دولت‌های ملی) و شهرهای بزرگ در مراکز منطقه‌ای، تجاری و اقتصادی کلان‌شهر شناخته می‌شوند که در بیشتر موارد این مفهوم بر هم منطبق است.

جمعیت بسیار بالای یک یا چند کلان‌شهر در یک پهنه بزرگ ملی ممکن است در ما این تصور را به‌وجود آورد که با یک کشور کاملاً شهری روبه‌رو هستیم، در حالی که سایر نقاط آن پهنه کاملاً روستایی باشند. بسیاری از کشورهای جهان سوم در حال حاضر چنین وضعیتی را نشان می‌دهند که خود سبب بالا رفتن هر چه بیشتر تفاوت‌ها و اختلاف‌های اجتماعی نیز می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۳:ص ۱۲۴-۱۲۱).

شهر تهران در چهار دهه اخیر شاهد دگرگونی‌های متنوع و متعددی در عرصه‌های مختلف جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. دامنه این تحولات و دگرگونی‌ها به گستره فیزیکی شهر محدود نبوده و با ایجاد حوزه عملکردی بسیار فراتر از محدوده‌های جغرافیایی آن، سطح وسیعی از مناطق شهری و روستایی پیرامونی‌اش را نیز تحت تاثیر قرار داده است. چنین رشد و گسترشی، در مراحل اولیه خود متضمن فرصت‌های منحصر به فردی برای توسعه کشور بود، اما به تدریج مسائل و مشکلاتی پدید آمد، که جز با چاره‌اندیشی در مقیاس فراشهری برطرف نمی شد. از آن هنگام، شهر تهران به همراه مجتمع‌های زیستی و مراکز فعالیت و خدمات پیرامون آن مورد توجه قرار گرفت و اصطلاحاتی نظیر تهران بزرگ، منطقه کلان‌شهری تهران و مجموعه شهری تهران رواج یافت.

به کارگرفتن هر یک از این اصطلاحات، بر تغییرات گسترده منطقه شهری تهران دلالت دارد و بر لزوم اتخاذ نگرشی ''یکپارچه'' در عرصه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت تأکید می‌کند. با این حال وسعت دایره این مفاهیم و واژگان، برداشت‌های متفاوت و تعابیر مختلف جغرافیایی و مکانی از آن‌ها را سبب می‌شود. از این رو ارائه تعریف دقیقی از محدوده مورد مطالعه و شناخت ویژگی‌ها و مسائل اصلی آن برای تبیین نقش اقصادی منطقه کلان شهر تهران ضروری است.

هیئت وزیران در تصویب‌نامه ۸۲/۳/۵ کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران را به تصویب رساند. پس از آن هیئت وزیران با در نظر گرفتن نظرات مجلس در تصویب‌نامه ۸۳/۳/۲ ضمن حفظ استقلال واحدهای تقسیمات کشوری و مسئولیت‌ها و اختیارات مراجع ذیربط آن، خطمشی و سیاست‌های کلی طرح مجموعه شهری تهران را به تصویب رساند. در این مصوبه، با توجه به نظر رئیس مجلس، عبارت ''مجموعه شهری تهران'' به ''منطقه عمومی تهران'' تغییر نام داد و شهرهای واقع در شهرستان‌های تهران، دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلام‌شهر، ساوجبلاغ، شهریار، رباط کریم، پاکدشت و نظرآباد در آن قرار گرفت (هیئت وزیران، ۱۳۸۳). قلمرو این منطقه شامل شهرهای کل استان تهران به جز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

شهرستان فیروزکوه است که به واسطه فقدان ارتباط با مجموعه شهری تهران و کمبود تعداد کانون‌های جمعیتی از آن حذف گردیده است. بر همین اساس محدوده مورد مطالعهٔ تحقیق حاضر نیز منطقه عمومی تهران (یا مجموعه شهری تهران) درنظر گرفته می‌شود. این محدوده درحال حاضر ۱۳ شهرستان، ۳۵ بخش، ۵۱۱ شهر، ۸۰ دهستان را شامل می‌شود (مرکزآمار ایران، آمارنامه استان تهران،۱۳۸۵) که در تحقیق حاضر منطقه کلان شهر تهران نامیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

تهران ظرف دو قرن اخیر از شهرکی کوچک با ۱۵ هزار جمعیت به یکی از شهرهای بزرگ جهان تبدیل شده است. موقعیت راهبردی تهران بر سر راه مسیرهای اصلی بازرگانی و نیز موقعیت نمادین آن در دامنه بلندترین دامنه کوهستان کشور، تهران را همچون سلف خود، ری، به نقطه کانونی در کشوری پهناور بدل ساخته است (مدنی‌پور، ۱۳۸۱:ص ۴۰).

تهران امروز نقش هسته سیاسی، اقتصادی و ملی را به عهده دارد (میرحیدر، ۱۳۸۵:ص۱۳۶) که قدرت سیاسی- اداری کشور در قالب سیستم سیاسی بسیط آن در تهران به‌شکل یک‌پارچه و متمرکز درآمده است؛ قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است؛ تمرکز شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجارت بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران سبب شده است رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شود و تمرکز اقتصادی و پولی با تمرکز سیاسی- اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی هم‌نوا و همراه گردد. قدرت علمی، فنی و تکنولوژیک نیز در قالب دانشگاه‌های عمده، مراکز تحقیقاتی، کتابخانه‌ها، امکانات علمی، دانشمندان، فن‌آوران و کادرهای عالی متخصص در تهران استقرار یافته است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ص ۲۹۲) .

در این مقاله با توجه به تعداد شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی، و همچنین شاخص‌های اقتصاد شهری، برخی از شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی را در منطقه کلان شهر که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور می‌شود با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی، مورد تحلیل قرار داده و نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است که مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهری تهران در قدرت ملی» می‌باشد، آمار و اطلاعات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

اقتصادی ارائه شده در این پژوهش آخرین آمار اقتصادی کشور می‌باشد که به‌صورت رسمی از سوی مراکز آماری معتبر کشور تا پایان سال ۱۳۸۵ ارائه شده است.

بررسی شاخص‌های اقتصادی قدرت ملی در کلان‌شهر تهران

در این بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهرتهران در ارزش افزوده[۱] بخش صنعت و مقایسه با کل کشور مورد بررسی قرار گرفته است. فعالیت‌های صنعتی به کلیه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که باعث تغییر فیزیکی یا شیمیایی مواد و اجسام مختلف گردیده و نهایتاً منجر به تولید محصولات جدید می‌شوند. روش یا تکنولوژی مورد استفاده در ایجاد تغییرات در مواد و تولید محصولات جدید اعم است از دستی و ماشینی، کارخانه‌ای یا در منزل یا در هر محل دیگر به‌منظور فروش و یا جهت مصارف شخصی. فعالیت‌های معدنی شامل استخراج معادن تحت‌الارضی و سطح‌الارضی و عمل‌آوری و آماده‌سازی (نظیر: الک کردن، شستن، خرد کردن، گلوله کردن، و بالا بردن عیار) مواد معدنی طبیعی می‌باشد. منطقه کلان‌شهرتهران که قلمرو آن شامل شهرهای کل استان تهران به جز شهرستان فیروزکوه است،[۲] به‌عنوان مهم‌ترین قطب صنعتی کشور می‌باشد که حاکی از تمرکز بالای صنعت کشور در تهران است. طبق آمارها در سال ۱۳۸۵ تهران همچنان مهم‌ترین قطب صنعتی کشور بوده و ۳۴,۰۸ درصد کارگاه‌های صنعتی، ۲۹,۸۴ درصد ارزش افزوده و ۳۳,۸ درصد شاغلان بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است.

در کنار آن صنعت، مسکن و مستغلات و فعالیت‌های مرتبط با عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسائل نقلیه و کالاها جزء پنج فعالیت اقتصادی عمده ایجادکننده ارزش افزوده بوده‌اند.

در حال حاضر ۱۷ شهرک صنعتی فعال، ۳ شهرک صنعتی در دست احداث، ۸ شهرک صنعتی در دست طراحی، ۲ شهرک در دست مطالعه در سطح منطقه موجود بوده که علاوه بر

---

۱. ارزش افزوده(Value Added): ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه، ارزش افزوده نامیده می‌شود. ارزش افزوده را می‌توان معیار سنجش مشارکت تولیدکنندگان منفرد، صنعت یا بخش در تولید ناخالص داخلی محسوب نمود (بانک مرکزی، مفاهیم ، تعاریف و روش‌ها). http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx

۲. فیروزکوه به‌واسطه فقدان ارتباط با مجموعه شهری تهران و کمبود تعداد کانون‌های جمعیتی از آن حذف گردیده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

آن ایجاد ۴ شهرک صنعتی جدید نیز در حال بررسی است. بر طبق اطلاعات جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد که در سال ۱۳۸۵، ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی با سهم ۸۱ درصدی از ارزش افزوده ایجاد شده در این رشته بالاترین سهم و تمرکز را به خود اختصاص داده است. در رده‌های بعدی ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر با ۷۳ درصد، انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده با ۷۰ درصد، ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ‌کردن خز با ۴۹ درصد و ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه و وسایل ارتباطی با ۴۸ درصد مقام های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند که قابل تامل و توجه می‌باشد و حاکی از تمرکز بالای این رشته فعالیت‌ها در تهران می‌باشد.

رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش صنعت به تفکیک منطقه کلان‌شهر تهران و استان‌های کشور نشان می دهد که منطقه کلان شهر تهران بر اساس جدول شماره۱ و طبق آمارهای سال ۱۳۸۵ به تنهایی ۲۶/۷ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. در حالی که استان‌های اصفهان، خوزستان و کهکیلویه و بویراحمد، با مجموع ۳۲/۶ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت کل کشور بعد از تهران به‌ترتیب رتبه دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است که در مجموع سهم این استان‌ها از ارزش افزوده بخش صنعت به‌همراه منطقه کلان شهر تهران برابر است با ۵۹/۴ درصد و بقیه کشور ۴۰/۶ درصد را دارا می‌باشند. به عبارت دیگر بیش از ۵۰ درصد تمرکز فعالیت‌های بخش صنعت کشور در منطقه کلان شهر تهران و سه استان اصفهان، خوزستان و کهکیلویه و بویراحمد بوده است. جدول شماره ۱ همچنین بیانگر عدم تعادل فضایی توزیع بخش صنعت در کشور می‌باشد به نحوی که منطقه کلان شهر تهران با رتبه یک نسبت به دومین رتبه یعنی استان اصفهان حدود دو برابر صنعتی تر بوده و نسبت به سومین رتبه سه برابر و حدود ۱۳ برابر تولید ارزش افزوده رتبه دهم را به خود اختصاص داده است.

از نظر تعداد کارگاههای صنعتی دارای ۱۰ نفر شاغل و بیشتر و تعداد شاغلان این کارگاه‌ها، منطقه کلان‌شهری تهران با ۳۹۸۷ کارگاه با سهم ۲۵/۱۱ درصدی از کل کشور و ۳۲۶۸۷۷ نفر شاغل با سهم ۶۴/ ۲۹ درصد در رتبه اول و استان اصفهان با ۲۱۵۹ کارگاه با سهم ۱۳/۶۰ درصد از کل کشور و ۱۲۹۵۵۹ نفر شاغل با سهم ۱۱/۷۵ درصد در رتبه دوم و استان ایلام با تعداد ۳۲ کارگاه صنعتی دارای رتبه آخر است، همان‌گونه که از آمارهای تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر شاغل و بیشتر و تعداد شاغلان این بخش با سهم بسیار زیادی که از کل کشور دارند بیانگر این مطلب است که تهران و اصفهان از نظر ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی در رتبه اول و دوم بوده‌اند. یکی از دلایل پائین بودن نرخ بیکاری در مناطق یاد شده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

جدول (۱) ارزش افزوده بخش صنعت و زیربخش‌های آن در منطقه کلانشهری تهران و کل کشور در سال ۱۳۸۵ (مأخذ: (حساب‌های ملی و منطقه‌ای- مرکز آمار ایران۱۳۸۵)

شرح فعالیت‌ها	کل کشور	تهران	سهم تهران
صنعت	307,145,451	82,167,924	26.75%
ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها	38,345,776	8,435,189	22.00%
ساخت محصولات از توتون و تنباکو	922,320	222,436	24.12%
ساخت منسوجات	17,861,985	1,789,234	10.02%
ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز	2,513,480	1,237,569	49.24%
دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی	1,867,630	756,781	40.52%
ساخت چوب و محصولات چوبی	4,585,512	796,092	17.36%
ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	2,474,160	939,083	37.96%
انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	1,855,199	1,295,290	69.82%
ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای	28,560,807	6,395,185	22.39%
ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی	36,122,737	4,563,775	12.63%
ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک	8,148,977	2,579,371	31.65%
ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی	26,555,461	4,340,050	16.34%
ساخت فلزات اساسی	43,216,949	2,500,176	5.79%
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	16,959,469	5,885,205	34.70%
ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	16,639,083	5,860,071	35.22%
ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	295,042	237,681	80.56%
ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	8,071,107	2,522,043	31.25%
ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	1,241,507	596,920	48.08%
ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت	1,386,384	444,949	32.09%
ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر	35,203,189	25,754,526	73.16%
ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل	4,442,400	748,974	16.86%
ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	9,595,656	4,138,177	43.13%
باز یافت	280,618	129,149	46.02%

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

نسبت به سایر استان‌های کشور، سهم بالای صنعت این مناطق نسبت به سایر مناطق کشور است.

جدول (۲) رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش صنعت به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور

استان	ارزش افزوده	سهم ازکشور	رتبه	استان	ارزش افزوده	سهم ازکشور	رتبه	استان	ارزش افزوده	سهم ازکشور	رتبه
منطقه‌کلانشهری تهران	۲۶۵،۰۷۶	۲۶.۸	۱	ایلام	18,793	1.9	11	سمنان	5,935	0.6	21
اصفهان	145,396	14.7	2	یزد	16,815	1.7	12	قم	5,935	0.6	22
خوزستان	94,953	9.6	3	قزوین	13,847	1.4	13	لرستان	5,935	0.6	23
کهکیلویه و بویراحمد	82,094	8.3	4	مازندران	13,847	1.4	14	سیستان و بلوچستان	4,945	0.5	24
بوشهر	31,651	3.2	5	گیلان	11,869	1.2	15	گلستان	3,956	0.4	25
خراسان رضوی	27,694	2.8	6	هرمزگان	9,891	1.0	16	اردبیل	2,967	0.3	26
آذربایجان شرقی	26,705	2.7	7	آذربایجان غربی	8,902	0.9	17	چارمحال و بختیاری	2,967	0.3	27
فارس	26,705	2.7	8	زنجان	7,913	0.8	18	خراسان شمالی	2,967	0.3	28
کرمان	24,727	2.5	9	کرمانشاه	6,924	0.7	19	کردستان	2,967	0.3	29
مرکزی	23,738	2.4	10	همدان	6,924	0.7	20	خراسان جنوبی	1,978	0.2	30

مأخذ (مرکز آمار ایران، حساب های منطقه‌ای، ۱۳۸۵)

بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهری تهران در ارزش افزوده بخش خدمات و مقایسه آن با کل کشور نشان می دهد که خدمات دارای موجودیت مستقلی نیستند که امکان ایجاد حق مالکیت برآن‌ها وجود داشته باشد. خرید و فروش خدمات از تولید آن‌ها جدا نیست و این دو فرآیند هم‌زمان صورت می‌گیرد. خدمات، ستانده‌های ناهمگنی را که تولید آن‌ها براساس سفارش انجام می‌گیرد و نیز تغییراتی را که توسط تولیدکنندگان بر اساس تقاضای مصرف‌کنندگان در وضعیت واحدهای مورد مصرف داده می‌شود در بر می‌گیرند. زمانی که تولید خدمات به پایان می‌رسد باید به مصرف‌کنندگان ارائه شود.

تولید خدمات باید فقط محدود به فعالیت‌هایی باشد که قابلیت ارائه به واحد دیگر را داشته باشد، در غیر این صورت رشته فعالیت‌های خدمات نمی‌توانند توسعه یابند و بازاری برای آن‌ها

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

وجود نخواهد داشت. همچنین هر واحدی می‌تواند برای مصرف خود خدماتی را تولید کند به‌شرطی که نوع فعالیت طوری باشد که امکان انجام آن توسط واحد دیگر وجود داشته باشد.

بررسی ارزش افزوده بخش خدمات منطقه کلان شهر تهران نیز بیانگر روند رو به افزایش آن در طول دوره ۸۵-۱۳۷۹ است، چنانچه کم‌ترین مقدار به سال ۱۳۷۹ معادل ۱۱۳۷۷۵ میلیارد ریال و بیش‌ترین مقدار به سال ۱۳۸۵ معادل ۴۶۰۶۷۴ میلیارد ریال اختصاص دارد، که نشان‌دهنده نرخ رشد متوسط ۲۶ درصد در طول دوره مورد بررسی می‌باشد. نمودار شماره۱ بیانگر این مطلب می‌باشد. ارزش افزوده بخش خدمات منطقه کلان شهر تهران طی دوره مذکور در مقایسه با کل کشور نرخ رشد متوسط بالاتری داشته است که نشان‌دهنده افزایش سهم منطقه کلان شهر تهران از کل کشور در انتهای دوره مورد نظر نسبت به ابتدای آن است.

از طرف دیگر ارزش افزوده زیر بخش‌های بازرگانی، رستوران و هتل‌داری، حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات، خدمات موسسات مالی و پولی، خدمات مستغلات وخدمات حرفه‌ای و تخصصی، خدمات عمومی و خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی در منطقه کلان شهر تهران هر یک به‌ترتیب با نرخ رشد متوسط ۲۵، ۲۸، ۳۶، ۲۴، ۲۵ و ۲۸ درصد در طول دوره ۸۵-۱۳۷۹ افزایش یافته‌اند.

در سال های ۸۲-۱۳۷۹ زیر بخش خدمات مستغلات وخدمات حرفه‌ای وتخصصی نقش اساسی‌تری نسبت به سایر زیر بخش‌ها در ایجاد ارزش افزوده بخش خدمات در منطقه کلان شهر تهران داشته است؛ ولی در سال‌های آخر دوره مورد بررسی (۱۳۸۵-۱۳۸۲) زیربخش بازرگانی، رستوران و هتل‌داری سهم بیشتری دارد که این نکته در جدول (۳) قابل مشاهده است. در واقع در مقایسه با کل کشور، در منطقه کلان شهر تهران نیز خدمات مؤسسات مالی و پولی کم‌ترین سهم از ارزش افزوده ایجاد شده در بخش مورد نظر را دارا می‌باشد.

در رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش خدمات به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵ نتیجه می گیریم که منطقه کلان شهر تهران بر اساس جدول شماره ۴ وطبق آمارهای سال ۱۳۸۵ به تنهایی ۳۸/۹ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات کشور را به خود اختصاص داده است. در حالی که استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و فارس، با مجموع ۲۲/۳ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات کل کشور به ترتیب رتبه دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است. که در مجموع سهم این استان‌ها از ارزش افزوده بخش خدمات به همراه منطقه کلان شهر تهران برابر است با ۶۱/۲ درصد و بقیه کشور ۳۹/۸ درصد را دارا می باشند. می‌باشند. به عبارت دیگر بیش از ۶۰ درصد تمرکز فعالیت‌های بخش خدمات کشور در منطقه کلان شهر تهران و چهار استان خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و فارس بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

قابل ذکر است که منطقه کلان شهر تهران با رتبه یک نسبت به دومین رتبه ارزش افزوده بخش خدمات یعنی استان خراسان رضوی بیش از شش برابر ارزش افزوده کل کشور را به خود اختصاص داده است که این بیانگر شدت عدم تعادل فضایی در توزیع ارزش افزوده بخش خدمات می‌باشد.

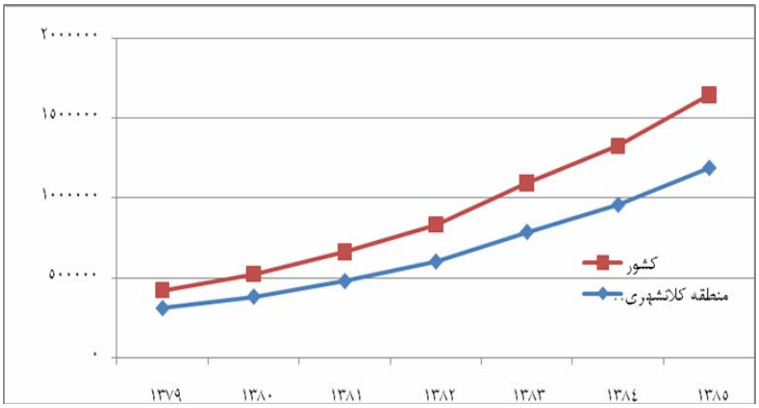

شکل (۱) نمودار روند تغییر ارزش افزوده بخش خدمات تهران و کشورطی سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۹
مأخذ:(مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای در ادوار مختلف)

جدول (۳) ارزش افزوده زیربخش های خدمات منطقه کلانشهری تهران ۱۳۸۵-۱۳۷۹

شرح فعالیت	1379	1380	1381	1382	1383	1384	1385
بازرگانی،رستوران و هتلداری	32,151	39,871	50,125	65,422	86,379	104,582	123,121
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	15,708	19,026	25,143	30,198	39,543	49,977	68,121
خدمات موسسات مالی و پولی	6,546	8,907	10,990	19,000	35,316	37,091	41,093
خدمات مستغلات و خدمات حرفه ای و تخصصی	33,836	42,131	55,951	68,900	84,715	94,546	122,178
خدمات عمومی	12,475	14,830	19,871	24,706	29,677	39,186	48,022
خدمات اجتماعی،شخصی و خانگی	13,059	17,185	20,620	24,745	33,125	45,367	58,139
(جمع)	113,775	141,951	182,700	232,971	308,755	370,748	460,674

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

جدول (۴) رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش خدمات به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور۱۳۸۵

استان	ارزش‌افزوده	سهم ازکشور	رتبه	استان	ارزش افزوده	سهم ازکشور	رتبه	استان	ارزش افزوده	سهم ازکشور	رتبه
منطقه کلان شهری تهران	460674	38.9	1	هرمزگان	27258	2.3	11	قم	14221	1.2	21
خراسان رضوی	75847	6.4	2	کرمانشاه	21332	1.8	12	یزد	14221	1	22
اصفهان	69922	5.9	3	مرکزی	20147	1.7	13	اردبیل	13036	1.1	23
خوزستان	62811	5.3	4	همدان	18962	1.6	14	خراسان شمالی	9481	0.8	24
فارس	55700	4.7	5	گلستان	17777	1.5	15	زنجان	9481	0.8	25
آذربایجان شرقی	46219	3.9	6	لرستان	16592	1.4	16	سمنان	9481	0.8	26
مازندران	46219	3.9	7	سیستان و بلوچستان	15406	1.3	17	چارمحال و بختیاری	8296	0.7	27
گیلان	31998	2.7	8	قزوین	15406	1.3	18	خراسان جنوبی	7111	0.6	28
آذربایجان غربی	29628	2.5	9	کردستان	15406	1.3	19	ایلام	5926	0.5	29
کرمان	27258	2.3	10	بوشهر	14221	1.2	20	کهکیلویه و بویراحمد	5926	0.5	30

مأخذ: (مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای سال ۱۳۸۵)

از بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهری تهران در درآمد مالیاتی و مقایسه آن با استان‌های کشور نتیجه می گیریم که اولا مالیات عبارت است از قسمتی از درآمد یا ثروت افراد که به منظور بخشی از هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور که به‌موجب قانون به‌وسیله دولت وصول می‌شود. به‌عبارت دیگر برای دوام جامعه و ارائه خدمات اجتماعی توسط دولت هر یک از افراد جامعه با توجه به توان پرداخت خود مکلفند بهای قسمتی از این خدمات را به‌عنوان مالیات به دولت بپردازند.

ثانیا مالیات‌ها، پرداخت‌های اجباری و بلاعوض واحدهای نهادی به دولت است که به‌صورت نقدی و غیر نقدی انجام می‌گیرد. اطلاق صفت بلاعوض به مالیات‌ها از این جهت است که دولت در مقابل دریافت مالیات از یک واحد نهادی، خدمتی را به‌صورت فردی به آن ارائه نمی‌کند، هر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

چند که با دریافت مالیات منابع مالی خود را افزایش داده و با استفاده از این منابع، کالاها و خدماتی را برای سایر واحدها اعم از تک تک افراد یا کل جامعه فراهم آورد .

درآمدهای مالیاتی در اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت‌ها به شمار رفته و به عنوان یک ابزار مؤثر جهت سیاست‌گذاری‌های مالی محسوب می‌شوند(نجارزاده، ۱۳۸۵: ص ۲۵).

امروزه کشورها همراه با رشد و توسعه به سمت صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی در حرکت هستند. شهرنشینی با تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در نواحی شهری صنعتی پایه‌های مالیاتی بزرگتری نسبت به فعالیت‌های روستایی و سنتی مبتنی بر کشاورزی، صنایع دستی و صادرات مواد اولیه ایجاد می‌کند؛ زیرا فعالیت‌های سنتی شامل کسب و کارهای با مقیاس‌های کوچک است و عمدتاً خود مصرفی (نه جای تولید تجاری) است. اگر این فعالیت‌ها دارای مازاد نیز باشند، اغلب به دلیل بهره‌وری پایین، معاف از مالیات هستند.

مع الوصف مصرف و واردات تابعی از درآمد افراد است افزایش درآمد موجب افزایش مصرف، واردات، مالیات بر واردات و مالیات بر کالاها و خدمات می‌شود. از طرفی دیگر، با توجه به افزایش تولید ملی و افزایش بازدهی و سود بالای بنگاه‌های اقتصادی، در نتیجه مالیات بر درآمد و سود شرکت‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

هر چند بالا بودن سهم بخش کشاورزی نشان دهنده ساختار سنتی است، بالا بودن نسبت شهرنشینی نشان‌دهنده ساختار اقتصادی پیشرفته و مبتنی بر بخش صنعت است. به دلیل استفاده از افراد آموزش دیده و تکنولوژی پیشرفته در تولید، بهره‌وری در اقتصاد پیشرفته نسبت به اقتصاد سنتی بالاتر است و در نتیجه تولید، سود و دست‌مزدها نیز بالاتر. این برتری موجب افزایش درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم داخلی می‌شود (اکبریان: ۱۳۸۶: ص ۱۵). که نمونه آن درآمد مالیاتی تهران و مناطق توسعه‌یافته و برخوردار کشور می‌باشد جدول شماره ۵ به خوبی تصدیق کننده این مطلب می‌باشد.

رتبه‌بندی توزیع نسبی درآمد مالیاتی به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵ نشان می دهد که امروزه در تمام کشورها، مالیات نقش اساسی در تأمین مخارج دولت دارد، در اقتصاد ایران نیز درآمدهای مالیاتی یکی از مهمترین منبع تأمین کننده مخارج دولت بعد از درآمدهای نفتی می‌باشد.جدول شماره ۶ به خوبی نشان می‌دهد که به دلیل تمرکز چند بعدی از جمله قطب صنعت کشور، شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجارت بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران بیشترین درآمد مالیاتی در این شهر عاید دولت می‌شود. به عبارت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

دیگر بیش از ۵۲ درصد درآمدهای مالیاتی کشور در تهران و ۲۹ استان دیگر کمتر از ۴۸ درصد درآمد مالیاتی را دارا می‌باشند.

جدول (۵) رتبه‌بندی توزیع درآمد مالیاتی به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

استان	درآمدمالیاتی	سهم‌از کشور	رتبه	استان	درآمدمالیاتی	سهم از کشور	رتبه	استان	درآمد مالیاتی	سهم از کشور	رتبه
منطقه کلانشهری تهران	33,370,448	52.72	1	قزوین	1,049,020	1.66	11	کردستان	385,532	0.61	21
اصفهان	3,570,986	5.64	2	آذربایجان غربی	1,004,548	1.59	12	اردبیل	380,708	0.60	22
خوزستان	3,528,033	5.57	3	یزد	974,244	1.54	13	ایلام	329,088	0.52	23
خراسان رضوی	2,892,121	4.57	4	گیلان	971,109	1.53	14	چارمحل و بختیاری	320,019	0.51	24
فارس	2,308,756	3.65	5	کرمانشاه	750,691	1.19	15	خراسان جنوبی	211,737	0.33	25
بوشهر	2,217,563	3.50	6	زنجان	597,671	0.94	16	کهکیلویه و بویراحمد	203,862	0.32	26
کرمان	1,595,089	2.52	7	سیستان و بلوچستان	532,412	0.84	17	خراسان شمالی	201,072	0.32	27
مازندران	1,516,695	2.40	8	همدان	531,612	0.84	18	آذربایجان شرقی	169,600	0.27	28
هرمزگان	1,293,152	2.04	9	گلستان	517,171	0.82	19	قم	102,573	0.16	29
مرکزی	1,288,191	2.03	10	سمنان	489,018	0.77	20	لرستان	آمار موجود نیست		30

از بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهری تهران در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برحسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه تمام و تکمیل‌شده درنقاط شهری ۱۳۸۵ نتیجه می گیریم که بخش مسکن به‌عنوان یکی از بخش‌های عمدهٔ اقتصادی، رابطهٔ تنگاتنگ و وسیعی با سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد، از تحولات سایر بخش‌ها تأثیر پذیرفته و خود نیز بر آنها اثر می‌گذارد. طی هر سال حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از سرمایهٔ ثابت کشور در بخش مسکن ایجاد می‌شود و به‌طور میانگین به‌همین نسبت از نقدینگی کل کشور در بخش مسکن مصرف می‌گردد.

با توجه به رابطهٔ پسین و پیشین بخش مسکن با سایر بخش‌های اقتصادی کشور رکود و رونق این بخش اثر قطعی بر رکود و رونق اقتصاد کلان کشور می‌گذارد. به‌طوری که مطالعات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

در این زمینه نشان داده‌اند، یک واحد افزایش در ارزش افزودهٔ بخش مسکن، تولید ناخالص داخلی را به میزان ۲/۸ واحد افزایش می‌دهد.

بازار مسکن تهران به‌عنوان مهم‌ترین بازار مسکن کشور، همواره نقش پیشتاز در تحولات بازار مسکن سایر نقاط کشور داشته است و تغییرات در این بازار با تأخیری ۶ ماهه تا یک‌ساله در کلان شهرها و سپس در سایر نقاط شهری روی می‌دهد (عربی،۱۳۸۹:ص۲۰).از طرف دیگر سهم بخش مسکن از اشتغال کشور از ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.(بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران- فعالیت ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری کشور و حساب‌های ملی).

-رتبه‌بندی توزیع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برحسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه تمام و تکمیل شده درنقاط شهری به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور نشان می دهد که از نظر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان، منطقه کلان شهری تهران و استان اصفهان به ترتیب رتبه اول و دوم در کل کشور را دارا هستند و استان خراسان‌جنوبی با کمترین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در رتبه آخر می‌باشد. از نظر تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در نقاط شهری برای احداث ساختمان، منطقه کلان‌شهری تهران و استان اصفهان با بیشترین درصد نسبت به کل کشور، رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. در زمینه تعداد پروانه‌های صادر شده بر حسب مساحت زیربنای تهران و استان اصفهان دارای رتبه اول و دوم و استان کهکیلویه و بویراحمد دارای رتبه آخر می‌باشد.

تجزیه و تحلیل

همان‌گونه که گفته شد، انحصار قدرت و تمرکز آن در پایتخت (تهران) در پرتو خصلت‌های مکانی و جغرافیایی آن و نیز نگرش، رفتار و سیاست‌های دولت‌های حاکم طی یک قرن اخیر به‌شدت به تمرکز، ذخیره‌سازی و انحصار قدرت روی آورده و در تمامی ابعاد، قدرت ملی را بلعیده و تصاحب کرده است. قدرت سیاسی– اداری کشور در قالب سیستم سیاسی بسیط آن در تهران به‌شکل یک‌پارچه و متمرکز در آمده است؛ این الگوی توزیع فضایی قدرت، فضاهای جغرافیایی کشور را بلاراده ساخته و از توزیع فضایی و جغرافیایی قدرت سیاسی به‌شدت جلوگیری کرده است. تداوم این حالت انحصار قدرت نوعی فرهنگ و باور سیاسی را در میان عموم شکل داده است که بر اساس آن دولت‌مردان، سیاست‌مداران کادرهای عالی دولت و شهروندان تهرانی خود را صاحب قدرت سیاسی می‌دانند؛ بدین لحاظ کلیه امور ریز و درشت اقصا نقاط کشور به تهران گره خورد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

جدول (۶) رتبه‌بندی توزیع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برحسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه‌تمام وتکمیل‌شده درنقاط شهری به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

استان	سرمایه گذاری	سهم‌از کشور	رتبه	استان	سرمایه گذاری	سهم از کشور	رتبه	استان	سرمایه گذاری	سهم از کشور	رتبه
منطقه کلانشهری تهران	32,857,892	28.9	1	یزد	2,560,753	2.3	11	سمنان	1,217,676	1.1	21
اصفهان	11,405,737	10.0	2	قم	2,187,396	1.9	12	هرمزگان	1,132,275	1.0	22
فارس	7,730,463	6.8	3	قزوین	1,987,882	1.8	13	بوشهر	1,131,459	1.0	23
خراسان رضوی	7,488,377	6.6	4	زنجان	1,886,635	1.7	14	سیستان و بلوچستان	1,066,616	0.9	24
آذربایجان شرقی	5,766,393	5.1	5	همدان	1,867,936	1.6	15	چارمحال و بختیاری	1,032,662	0.9	25
خوزستان	5,525,473	4.9	6	مرکزی	1,848,925	1.6	16	اردبیل	987,882	0.9	26
گیلان	5,031,433	4.4	7	کرمانشاه	1,834,382	1.6	17	خراسان شمالی	971,977	0.9	27
مازندران	4,053,731	3.6	8	لرستان	1,583,743	1.4	18	ایلام	680,998	0.6	28
آذربایجان غربی	2,939,713	2.6	9	گلستان	1,486,756	1.3	19	کهکیلویه و بویراحمد	607,740	0.5	29
کرمان	2,917,751	2.6	10	کردستان	1,246,537	1.1	20	خراسان جنوبی	532,322	0.5	30

با توجه به آنچه با کمک جداول و نمودارها و به‌صورت مشروح ذکر شد قدرت اقتصادی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است. تمرکز قطب صنعت کشور با حدود ۲۷ در صد سهم صنعت کشور به همراه سه استان رتبه‌های دیگر حدود ۶۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین با تمرکز بخش خدمات کشور با حدود ۳۹ درصد ارزش افزوده بخش ، باز هم رتبه اول خدمات کل کشور را به خود اختصاص داده است، درآمدهای بالا در این شهر که همگی ناشی از تمرکز (سیاسی- اقتصادی) می‌باشد باعث شده است که بیش از ۵۰ درصد درآمدهای مالیاتی دولت در این شهر اخذ می‌گردد. در خصوص مسکن نیز باید اذعان داشت که سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی در مسکن و کسب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

رتبه نخست در این زمینه در منطقه مذکور به‌دلیل رابطه نزدیکی است که این بخش با سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد.

نکته کلیدی در رابطه با موضوع تمرکز در تهران در واقع روند انباشت سرمایه در پایتخت بوده است. به‌طوری که در روند زمانی، انباشت سرمایه در کل کشور به نفع پایتخت و در پایتخت به نفع شرکت‌ها، نهادها و لایه‌های اجتماعی معین جهت‌گیری کرده است. از سوی دیگر این تمرکز توأم با توسعه اقتصادی در رشد صنعتی دارای محتوای درون‌زا نبوده و برخلاف آن تمرکزی بر مبنای درآمد ارزی نفت، جابجایی ثروت و درآمد، رانت و بهره‌جویی از تسهیلات دولتی و نقدینگی است که متأسفانه در جهت رشد و توسعه اقتصادی شهر به کار گرفته شده و عمدتاً در جهت مصرف و امتیازات سیاسی، طبقاتی و اجتماعی و غیره عمل نموده است. اقتصاد شهر تهران به ویژه از زمان ادغام سرمایه‌داری ایران در نظام اقتصادی جهانی تا حد زیادی به تولید و صدور نفت متمرکز است. به‌لحاظ تاریخی تمرکز بیشتر اشکال فعالیت اقتصادی در تهران تابعی از موقعیت مسلط دولتی- اداری این شهر نسبت به بقیه گستره پهناور کشور است.

نتیجه‌گیری

کشورهای پیشرفته در جهان از دیرباز در قالب نظام فدرال با طرح‌های آمایش سرزمین سعی داشته‌اند که به شهرهای دیگر در شماری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، خدماتی، صنعتی و... مرکزیت دهند. بطور مثال در ایالات متحده آمریکا واشنگتن دی‌سی مرکز سیاسی کشور است، نیویورک مرکز اقتصادی آن، در شهر هیوستن شرکت‌های نفتی تمرکز یافته‌اند، صنعت بزرگ فیلم سازی در لس‌آنجلس قرار یافته است و لاس‌وگاس به شهر تفریح و سرگرمی تبدیل شده است، در فرانسه شهرهای لیون، مارسی و تولوز از جمله شهرهایی هستند که از بار تمرکز در پاریس کاسته‌اند. این مدل البته به کشورهای درحال توسعه تسری یافته است. به عنوان مثال، در مراکش مرکز سیاسی کشور شهر رباط است ولی مرکز اقتصادی آن کازابلانکا است. در هند نیز دهلی مرکز سیاسی کشور است و بمبئی مرکز اقتصادی آن است.

اما همانگونه که ذکر گردید ایران یکی از متمرکزترین نظام‌های حکومتی در جهان معاصر است که تصمیمات، قوانین، شیوه اجرا و فرایند برنامه‌ریزی برای تمام مناطق کشور با توجه به تفاوت‌های مکانی، تنوع قومی و زبانی و فرهنگی، شیوه معیشت و غیره بصورت کاملاً متمرکز است. این شیوه مدیریت سیاسی فضا در مکان به دور از مناطقی که مردم و فضا از آن متاثر می‌گردد، اتخاذ می‌گردد. در نتیجه این تصمیمات و سیاست‌ها متناسب با الگوی فضایی (نظام تقسیمات کشوری/ سازمان سیاسی فضا) نمی‌باشد. به عبارت دیگر مدیریت سیاسی فضا با توجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

به الگوی جغرافیایی ایران از تناسب برخوردار نمی‌باشد که برآیند آن ناهنجاری فضایی و افزایش هزینه‌ها، توسعه نامتوازن فضاها، الگوی نامتوازن جمعیتی، نابرابری در فرصت‌های اقتصادی، ناهنجاری در سازمان سیاسی فضا و غیره است. تفاوتهای فوق‌الذکر چنانچه افزایش یابد، نواحی کشور دچار نوعی ناهمگونی و در نتیجه شکاف می‌شوند.

با توجه به آمار و اطلاعات ارائه شده در متن مقاله باید چنین جمع‌بندی کرد که دو عنصر پایداری و ظرفیت ایران پیوند عمیقی با پایداری و ظرفیت کلان‌شهرها و به‌ویژه کلان‌شهر تهران دارد به نحوی که نتیجه تراکم حجمی فعالیت‌ها در تهران ضعف پایداری و کاهش ظرفیت تحمل را نشان می‌دهد این روند چنانچه با عدم تدبیر مدیریت فضای کلان‌شهری آمیخته شود به آسیب‌هایی تبدیل خواهد شد که تهدیدات جدی در مقیاس ملی برای کشور فراهم می‌آورد از این رو بدون تأمین پایداری نهادمند و ظرفیت کافی در کلان‌شهر ملی و ارتقاء نقش کارکردی آن، نمی‌توان جایگاه مناسبی برای قدرت ملی کشور ترسیم کرد. چون منابع و توان کشور به جای قرار گرفتن در پشتیبانی از اهداف و منابع ملی صرف پاسخ‌گویی منفعلانه به عوامل و تبعات ناپایداری‌ها و نارسایی‌های موجود در کلان‌شهرها خواهد شد.

با عنایت به شاخص‌های اقتصادی منطقه کلان شهر مؤثر در قدرت ملی که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، ارزش افزوده بخش خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور که مورد بررسی قرار گرفت چنین نتیجه می‌گیریم که: در مورد سهم فعالیت‌های مختلف اقتصادی و جایگاه آن‌ها در اقتصاد ملی و اقتصاد تهران می‌توان گفت که تفاوت‌های اساسی بین ساختار اقتصاد تهران و اقتصاد ملی وجود دارد، از جمله اینکه سهم بخش معدن و بخش کشاورزی در اقتصاد ملی بسیار قابل توجه است. این در حالی است که فعالیت‌های مرتبط با این دو بخش در اقتصاد تهران سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند و فعالیت‌های مرتبط با صنعت و فعالیت‌های مرتبط با خدمات جای این دو را در پنج عمده فعالیت اقتصادی کشور از آن خود کرده است. به‌همین دلیل، حوزه نفوذ و جایگاه منطقه کلان شهر تهران تا جایی گسترش یافته که هرگونه اتخاذ تصمیم و عملکردی در سطح ملی را تحت تأثیر خود قرار داده است. وجود این انحصارات جایگاه و ویژگی خاصی در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به منطقه کلان شهر تهران به‌عنوان محل استقرار دولت و بدنه اصلی و اساسی آن در مقایسه با سایر مناطق کشور می‌بخشد. موارد مذکور بیانگر برآورده نشدن خواسته‌ها و انتظارات ملت و کشور می‌باشد که در نهایت تأثیرات منفی تمرکز در منطقه کلان شهر تهران را در قدرت ملی بیان می‌کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

منابع و ماخذ

۱. اعظمی، هادی(۱۳۸۳) **الگویابی نظام قدرت در آفریقا،** رساله دکتری جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظنیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ص ۴۴

۲. اکبریان، رضا، علی قائدی و رضا وهام (۱۳۸۶) **بررسی رابطه آزاد سازی تجاری و درآمد مالیاتی در ایران،** فصل‌نامه بررسی اقتصادی، دوره ۴، شماره ۳، ص ۱۵

۳. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱) **جغرافیای سیاسی ایران،** تهران: سمت. ص ۲۸۲

۴. حافظنیا، محمدرضا، زهرا احمدی پور و مرجان بدیعی (۱۳۸۲) **تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران**. نشریه علوم جغرافیایی. دانشگاه تربیت معلم، ص ۵۸

۵. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶) **قدرت و منافع ملی مبانی، مفاهیم و روش‌های سنجش،** تهران: نشر انتخاب،ص ۴۶

۶. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹) **مبانی مطالعات سیاسی- اجتماعی** ؛ جلد اول. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور. ص ۲۴۶

۷. قالیباف، محمدباقر، (۱۳۸۴) **درآمدی بر چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در قرن ۲۱ با تأکید بر تمرکز اقتصادی در کلان‌شهر ملی،** دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران،ص ۱۴۱

۸. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱) **تهران ظهور یک کلان‌شهر،** شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ص ۴۰

۹. میرحیدر، دره (۱۳۸۵) **مبانی جغرافیای سیاسی،** تهران: سمت، ص ۱۴۸

۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) **گزیده نتایج سرشماری ۱۳۸۵ استان تهران**

۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) **آمارنامه شهر تهران،** ۱۳۸۵

۱۲. مرکزآمار ایران (۱۳۸۸) **آمارنامه استان تهران،**۱۳۸۵

۱۳. مرکز آمار ایران(۱۳۸۵) **جداول حساب‌های ملی ایران (حساب‌های منطقه‌ای)**

۱۴. سازمان امور اقتصادی و دارایی استان تهران (۱۳۸۸)، **بررسی ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی استان تهران در مقایسه با کل کشور طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۹** ، معاونت اقتصادی

۱۵. **بانک مرکزی، مفاهیم، تعاریف و روش‌ها،**http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx

۱۶. نظریان، اصغر (۱۳۸۸) **پویایی نظام شهری،** تهران، انتشارات مبتکران، ص ۲۰۹

۱۷. فکوهی،ناصر(۱۳۸۳) **انسان‌شناسی شهری،** تهران، نشر نی،ص ۱۲۴-۱۲۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

۱۸. عربی، نادر (۱۳۸۹) **بررسی اجمالی ویژگی‌های بازار مسکن تهران** (۱۳۸۰-۱۳۸۸) ، فصل‌نامه پژوهشی ، آمورشی، اطلاع‌رسانی اقتصاد شهر ، سال اول، شماره چهارم، ۲۰

۱۹. نجارزاده، رضا و زارع، حمیدضا (۱۳۸۵) **برآورد کشش وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها در استان تهران**، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ، سال ششم، شماره سوم، ص ۲۵

۲۰. هیئت وزیران(الف) (۱۳۸۳) **متن اصلاحیه کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران.**

۲۱. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰) **با شهر و منطقه در ایران** ، انتشارات دانشگاه علم‌وصنعت ایران

Ashley J. Tellis & Others. (2000) ***Measuring National Power in the Postindustrial*** Age.Rond: New York, 2000, 12

http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]